

داستانهایی درباره گناه غیبت کردن



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد
مصطفی و آل طاهرینش

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا
فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (حجرات ایه 12)

و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد
که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر
کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان
است

غیبت کردن به معنی گفتن بدی‌های یک فرد در جمعی که او در آن
حضور ندارد به کار می‌رود. اصطلاح دیگری که معادل این معنای غیبت
است، پشت سر کسی بدگویی کردن یا پشت سر کسی حرف زدن است.
زمانی آنچه که پشت سر کسی گفته می‌شود غیبت نام می‌گیرد که اولاً
آن فرد از شنیدنش ناراحت شود، و دوم آن که آن حرف راست باشد.

غیبت خورش مردم!

یکی از گناهانی که همه جا فراگیر است غیبت کردن می باشد..در همه جا متاسفانه مردم به غیبت کردن مشغولند.تو صف نانوائی.تو اتوبوس.تو تاکسی.تو پارکها.درمغازه ها.تو مهمانی ها .تو کلاس ها حتی تو مسجد ها و مجالس عزاداری یا مجالس عروسی و....

در حالی که این گناه بزرگ آثار شومی دارد هم در دنیا و هم در آخرت. غیبت موجب بدبینی، نفرت و کینه، قطع رابطه و فساد ایمان و اخلاق در جامعه و حتی از بین رفتن زندگی اجتماعی می شود.

و در آخرت در روایات، برای غیبت آثار و عذاب‌هایی ذکر شده است مانند این که پاداش اعمال صالح غیبت‌کننده به غیبت‌شونده و گناهان غیبت‌شونده به غیبت‌کننده منتقل می‌شود...

لذا اولیاء خدا خیلی تلاش می کردند در مدت عمر خود نه غیبت کسی را بکنند نه غیبت بشنوند چون می دانند اگر غیبت کنند یا شنونده غیبت باشند از خدا دور میشوند.و در ریاضت آنها مشکل ایجاد میشود.

در این کتاب داستانهایی ذکر شده مخصوصاً از بعضی اولیاء خدا که امید
است برای ما درس باشد و ما تلاش کنیم اهل غیبت کردن نباشیم و در
مجلسی که غیبت است شرکت نکنیم. انشالله.

پاییز 1403. کرمانشاه

در 62 سال زندگی غیبت نشنیدم

همسر حضرت امام فرمود: شصت و دو سال با امام زندگی کردم و در این سال‌ها یک غیبت از این مرد نشنیدم. یک کارگری در منزل داشتیم که خیلی کاری نبود لذا آن را تبدیل به کارگر بهتری کردیم. بعد از چند روز گفتم، آقا این خیلی کارگر خوبی است. آقا گفتند: اگر با این جمله می‌خواهی به من بفهمانی که قبلی خیلی خوب نبود، این غیبت است و حاضر نیستم بشنوم.

راوی: همسر مکرمه امام (ره) بانو خدیجه ثقفی

علمای ربانی پشت سر یکدیگر بجای غیبت از هم تعریف می کردند!

در راه مشهد، شاه عباس تصمیم گرفت دو بزرگ را امتحان کند
به شیخ بهایی که آسبش جلو میرفت گفت: این میرداماد چقدر بی عرضه
است آسبش دائم عقب می ماند

شیخ بهائی گفت: کوهی از علم و دانش بر آن اسب سوار است، حیوان
کیشش این همه عظمت را ندارد

ساعتی بعد عقب ماند، به میرداماد گفت: این شیخ بهائی رعایت نمی کند،
دائم جلو می تازد

میرداماد گفت: اسب او از اینکه آدم بزرگی چون شیخ بهائی بر پشتش
سوار است سر از پا نمی شناسد و می خواهد از شوق، بال در آورد

در غیاب یکدیگر حافظ آبروی هم باشیم

"این است" رسم رفاقت

پیامبر فرمود غیبت او را کردی!

در روایتی نقل شده زنی بر عایشه وارد شد، چون بیرون رفت، عایشه با دست خود اشاره کرد که این قد کوتاه است. رسول خدا(ص) فرمود:
غیبت او را کردی!^۱

مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۴^۱

ح‌کیمی شنید جاهلی شبی در

مجلسی #غیبت او کرده است

ح‌کیم طبقی خرما برداشته و

:خانه او فرستاد و پیغام داد

شنیدم دیشب در مجلسی نماز و

روزه هایت را که به آن سختی

زیادی متحمل شده بودی به

رایگان به من هدیه دادی و من هم

.خواستم #محبت تو را جبران کنم

اما مرا ببخش #هدیه ای که؟

من فرستادم برای تو بسیار ناقابل تر

از هدیه ارزشمندی است که تو به

من بخشیدی!

دو شرط حضرت امام برای رفتن خارج از شهر

حضرت امام خمینی قدس سره در کنار درس و بحث به تفریح هم علاقه داشت. در جوانی روزهای جمعه با طلاب برای تفریح از شهر خارج می‌شدند، اما قبل از حرکت می‌فرمود: به چند شرط با شما بیرون می‌آیم:

۱- نماز را اوّل وقت بخوانیم.

۲- در تفریح از کسی غیبت نشود.^۲

^۲ [خاطرات حجت الاسلام قرائتی (جلد ۲)، صفحه: ۹۰]

توصیه حضرت خضر و الیاس جهت غیبت نکردن در مجالس

روزی یکی از اولیاء به الیاس و خضر علیهم السّلام شکایت کرد که مردم بسیار غیبت می کنند و حال آن که غیبت از گناهان کبیره است و هر چقدر آن ها را نصیحت می کنم و از غیبت کردن منع می نمایم سخن مرا نمی شنوند و آن عمل قبیح را ترک نمی کنند.

حضرت الیاس علیه السّلام فرمود: چاره این کار آن است که هر کس وارد مجلس شد به او بگو که بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» که در این صورت خداوند ملکی را بر اهل آن مجلس موکّل می گرداند که هرگاه کسی شروع به غیبت نماید آن ملک او را از آن باز دارد و از حق تعالی سؤال نماید تا آن قوم را از غیبت کردن نگاه دارد.

حضرت خضر علیه السّلام فرمود: چون کسی در وقت بیرون رفتن از
مجلس بگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ» حق تعالی ملکی را می فرستد تا آن که نگذارد که اهل آن مجلس
غیبت او را نمایند^۳.

^۳ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۲

اثر غیبت و بدگویی از دیگران در عالم برزخ

حجه الاسلام محی الدین حائری شیرازی فرمودند:

شیخ بهلول، نقل کرد در زمان رضا خان به خاطر آن که مورد غضب شاه بودم و مأموران در تعقیب من بودند، همسر خود را طلاق دادم؛ زیرا اگر او به زوجیت من باقی می ماند ممکن بود مورد تعرض دستگاه قرار بگیرد.

حتی پس از آن که او را طلاق دادم و عده او تمام شد وسیله ازدواج مجدد را برای او فراهم آوردم تا هیچ ناراحتی و خطری از ناحیه من متوجه او نشود.

مدتی گذشت این زن مُرد

من در خواب سه نفر زن را دیدم که نزد من آمدند. از آنها پرسیدم شما کیستید؟

یکی از آنها گفت: من عمه پدر تو هستم، و دو نفر دیگر هم از خویشان به شمار می آمدند.

به هر صورت آنان به من گفتند: حضرت زهرا (س) ما را فرستاده است تا این مطلب را به شما برسانیم که وقتی زن شما از دنیا رفت ملائکه عذاب قصد عذاب او را داشتند ولی حضرت زهرا (س) دستور فرموده است فعلا دست از عذاب او بردارید.

علت عذاب غیبتهایی بود که او از بعضی از مردم کرده بود و دلیل دستور توقف عذاب از سوی حضرت زهرا (س) نیز برای آن است که شاید از غیبت شدگان رضایت خواهی شود و آنان نیز رضایت دهند.

شیخ بهلول گفت: من پس از بیدار شدن از خواب فوراً خود را به محل سکونت آن زن رسانیده و به منبر رفتم، بالای منبر به مردم گفتم

شخصی از اهل این محل از دنیا رفته و غیبت بعضی از مردم را کرده
است از تقصیر او بگذرید و او را عفو کنید تا از عذاب اخروی نجات یابد
و به دیگران هم که در جلسه حاضر نیستند بگویید تا از تقصیر او
بگذرند.

بعد از مدتی همسر سابقم را خود در خواب دیدم که رو به من کرده و
گفت: فلانی راحت شدم و اضافه کرد که : تو نیز اینجا بیا، چرا در دنیا
این محل کثیف مانده ای!

من اصول دین نیستم

حضرت امام (ره) در جنبه رهبری، هیچ گاه خود را از دیگران بلندتر، بزرگ تر و بالاتر نمی دید. روزی در جلسه ای درباره گروهی از افراد صحبت شد، امام فرمودند: از این گروه، افرادی که من می شناسم کاملاً مذهبی هستند. شخصی به ایشان عرض کرد: آنان شما را قبول ندارند. امام بدون کوچک ترین ناراحتی گفتند: قبول نداشته باشند، من که جزو اصول دین نیستم که اگر قبول نکنند بگویم ایمانشان ناقص است.

در جلسه ای دیگر، شخصی گفت: چرا این قضات دادگستری را که در میان مردم قضاوت می کنند، بیرون نمی ریزید؟ اینها که آدم های فاسقی هستند. امام فرمودند: چرا غیبت می کنید؟ از کجا فهمیدید اینها فاسق اند؟ او گفت: آنها ریش خود را با تیغ می تراشند. امام پرسیدند: از کجا می دانید ریش تراشیدن را حرام می دانند تا فاسق شوند؟ گفت: شما فرموده اید که احتیاط واجب آن است که ریش را با تیغ نتراشیم.

امام فرمودند: از کجا فهمیدید که آنها مقلّدين من هستند و از ديگران
تقليد نمی کنند؟^۴

عاقبت غیبت و دشمنی با علامه

علامه طباطبایی در مقابل شاگردان عصبانی نمی‌شد و سابقه ...؟ [?] داشت به فراگیران سخنان اهانت‌آمیز بگوید یا با آنان تندی کند، سراپاگوش بود و چون حرف اشکال‌کننده به پایان می‌رسید جوابش را به آرامی می‌داد و او را قانع می‌نمود.

جوانی به نام سید احمد... بود که از محضر علامه بهره برد ولی درس‌های حوزه را ادامه نداد و به دانشگاه رفت. او در آغاز از علاقه‌مندان علامه بود ولی چون از دختر ایشان خواستگاری کرده و جواب رد شنیده بود با عقاید این فیلسوف از در مخالفت برآمد و اشکالاتی بر تفسیر المیزان نوشت که تحت عنوان "حول المیزان" به زبان عربی چاپ شد.

برخی شاگردان خدمت استاد رفته و خاطرنشان ساختند چنین اثری [?] علیه تفسیرتان منتشر شده است، در شأن شما نمی‌باشد که جواب او را بدهید ولی اجازه دهید آن را بدون پاسخ نگذاریم.

ایشان فرمودند: وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ. نقشه‌ای که او کشیده برای خودش خسارت می‌آورد و تیری که رها کرده به سوی وی کمانه می‌کند. و طولی نکشید که این جوان فوت نمود.

یکی از دوستان می‌گفت: در یک سفری که از تهران می‌آمدم بنده [?] [?] خدایی از اهالی آذربایجان در ماشین، پهلویم نشسته بود. به مناسبت گفتم: اهل کجایید؟ قم چه کار دارید؟

گفت: قصد دارم به زیارت بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بروم ولی یک کار واجب‌تری هم دارم. می‌خواهم خدمت علامه طباطبایی بروم، راستی خانه‌اش کجاست؟

و رفته رفته ماجرا را تعریف کرد، و افزود دوستی داشتم به نام سید احمد... که همشهری ما بود و اخیراً مرحوم گردید.

چند شب پیش او را در عالم رؤیا مشاهده کردم. خواب آشفته و نگران [?] کننده‌ای دیدم؛ مشاهده نمودم قیامت برپا شده و فرشتگان الهی این

دوست تازه در گذشته را می‌کشند و به طرف جهنم می‌برند. وقتی نگاهش به من افتاد شروع کرد به داد زدن. فریاد زد: فلانی فلانی به دادم برس. گفتم: چه می‌گویی؟ چرا به این وضع دچار شده‌ای، مگر چه کرده‌ای؟ گفت: برو قم و به علامه طباطبائی بگو مرا حلال کند. از او عذرخواهی نما که من اسباب اذیت و رنجاندن او را فراهم کردم. از وحشت از خواب پریدم. حالا دارم نزد ایشان می‌روم تا وظیفه ام را انجام دهم. بعد که با علامه دیدار نموده و این ماجرا را مطرح کرده بود ایشان با نهایت فروتنی به گریه افتاده و برای او استغفار نموده بود^۵

۵. تماشای فرزاندگی و فروزندگی _ ص 26، 28^۵

?

به ظاهر در این جا غیبت شده است!

حجت الاسلام سید احمد فاطمی:

در اوایل طلبگی‌ام، روزی مرحوم علامه طباطبایی به حجره‌ام تشریف ? آوردند و فرمودند

به ظاهر در این جا غیبت شده است!« گفتم: بله؛ پیش از آمدن شما «
چند نفر که درسشان از من بالاتر بود، این جا بودند و غیبت کسی را
کردند.

علامه فرمودند: «باید می‌گفتی از این جا بروند ! این حجره دیگر برای
«درس خواندن مناسب نیست؛ اتاق خود را عوض کن

آثار اهانت به مراجع تقلید

مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد نقل کرده اند □ 

در یک روز برفی که مرحوم حاج شیخ [عبدالکریم حائری یزدی] برای درس می آمدند، یکی از اعضای آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها

که در یکی از مقبره ها با دوستان خود نشسته بود، بلند می گوید

این شیخ را ببین که در این روز برفی هم دست از دُکان داری خود

بر نمی دارد

از قضا همان روز این فرد مبتلا به دل درد می شود و چون می فهمند

بخاطر اهانت به ایه الله حائری بوده بالاخره، به حاج شیخ متوسل

می شوند، ایشان می فرمایند:

من از حق شخصی خودم گذشتم، ولی حساب مرجعیت فقط به من
مربوط نمی‌شود

بالاخره، آن شخص همان شب مُرد!

در عمر خودم کسانی را دیده‌ام که به برخی مراجع بسیار توهین کردند
و جوانمرگ شدند! ^۶

ناراحتی حضرت امام در اثر غیبت کردن یکی از شاگردان

درس حضرت امام در قم قبل از تبعید ایشان، فقط تعلیم و تعلم نبود، باشد. به عبارت دیگر، بلکه مقید بودند که در ضمن تعلیم، تهذیب هم یعلمهم الکتاب و درس ایشان کار رسول گرامی اسلام(ص) «ویزکیهم و ایشان بود. در مدت بیش از دوازده سال که در دروس عالی[1]الحکمه» شرکت داشتم، یک عمل مکروه از ایشان ندیدم. بلکه اگر شبهه غیبت و دروغی پیش می آمد، حالت نگرانی به خوبی در چهره ایشان نمایان می نمی رود روزی امام به جلسه درس تشریف آوردند و به قدری شد. یادم نفس های تندی می زدند. آن روز درس ندادند و به ناراحت بودند که کردند و رفتند و تب مالت ایشان عود کرد و جای درس، نصیحت تندی

یکی از شاگردان ایشان، دربارهٔ سه روز نیامدند؛ چون شنیده بودند که یکی از مراجع، غیبتی کرده بود.^۷

^۷ پابه پای آفتاب؛ ج ۴، ص ۱۵۹

چرا اعمال خوب در پرونده اعمال نیست؟

در روایت است:

روز قیامت شخص را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش می دهند می بیند عمل خوب ندارد. اعتراض می کند که خدایا! من کارهای خوب زیاد کردم پس کجا هستند؟ جواب می آید به کسانی که غیبتشان را کردی دادیم

شخص دیگری را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش می دهند می بیند عمل خوب زیاد دارد. اعتراض می کند که خدایا! من این کارهای خوب را نکردم؟ جواب می آید اینها اعمال کسانی است که که غیبت تورا نمودند که ثوابهای آنها را بتو دادیم.

روایت تکان دهنده دیگری است که: نزدیکترین مرحله کفر آنست که باگوش خود کلمه ای را بشنوی و درحافظه بگذاری تا روزی علیه مؤمن استفاده کنی.

البته بعضی از جاها غیبت لازم است مثل روشنگری مخصوصا در فتنه های سیاسی و مواردی که نظام اسلامی در خطر است باید ماهیت دشمن افشا شود و برای روشنگری مردم لازم است که چهره سران فتنه در داخل و خارج روشن شود.

باز در روایت است که: امام علی (ع) فرمود کسی که هرچه از عیبهای مرد باچشم می بیند یا باگوش می شنود نقل می کند و آبروی شخص را می برد جزو کسانی است که خدا درباره او فرموده: «آنان که دربین » !مؤمنین فساد اشاعه می دهند عذاب دردناک برایشان مهیاست

یکی از منبری ها می گوید:

شهرستانی منبر می رفتیم، جمعیت زیادی به مسجد جامع آن شهر می آمدند، بحث ما هم بحث غیبت بود، گفتیم توی این دهه راجع به غیبت صحبت می کنیم، هر کس غیبت نکرد ما یک کتاب به او جایزه می دهیم، ده روز توی شهرستان موضوع غیبت را هر روز تذکر می دادیم و هر شب در بین چند هزار جمعیت می گفتیم، روز آخر یک نفر آمد، خدا می داند فقط یک نفر! گفت: حاج آقا، گفتم: بله، گفت: آقا خیلی سخت است گفتم: بله خیلی مشکل است، گفت: از صبح دیگه خیلی سعی کردم، این قدر مراقب بودم، این قدر دقت کردم، تو تلفن هایی که می کردم، مشتری می آمد و می رفته و خلاصه خودم را نگه داشتم، از صبح تا حالا غیبت نکردم که یک دانه کتاب از شما بگیرم

دلائل حرام بودن غیبت

غیبت حرام است با ادله اربعه. که قران می فرماید {**ولا یغتب بعضکم بعضا** **ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا**} که مومن را مانند برادر و آبرویش را مانند گوشتش و تهمت به او را مانند خوردن گوشتش و اینکه او خبر ندارد را بمنزله موتش قرار داده است.

ایات دیگر در باره غیبت یکی ایه همزه اول. یکی ایه نساء 148 و ایه - 19 نور است.

اما روایات: فراوان است از جمله: حدیث نبوی که غیبت از زنا شدیدتر است. و اینکه بعد زنا میشود توبه کرد ولی بعد غیبت تا زمانی که غیبت شده حلال نکند غیبت کننده توبه اش قبول نمیشود. و حدیث نبوی که ربا گناهِش 36 زنا با مادر خودش است و آبروی مومن را بردن از ربا بدتر است. و حدیث نبوی که اگر غیبت کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمیشود مگر غیبت شده حلالش کند. و حدیث نبوی که اگر غیبت مومنی کند به عیبی که در اوست خدا بین غیبت شده با غیبت کننده در

بهشت جمع نمیکند و اگر در عیبی که در او نیست غیبتش را کند عصمت
بین آن دو پاره شده و غیبت کننده خالد در آتش جهنم خواهد ماند. و
حدیث نبوی که دروغ گفته کسی که بگوید حلال زاده ام ولی گوشت
مردم را با غیبت بخورد. پس از غیبت دوری کن که آن خورشت سگهای
جهنم است. (مکاسب حرمه)

حدیث نبوی: **من مشی فی غیبه اخیه...**

باز در حدیث نبوی است که اگر انسان قدم بر می دارد تا غیبت برادرش
را بکند اولین قدمش در جهنم است. و باز حدیث نبوی است که غیبت
کننده اگر توبه کند آخرین فردی است که وارد بهشت می شود و اگر
توبه نکند اولین فردی است که وارد جهنم می شود. و از امام معصوم
روایت شده که: غیبت بر هر مسلمانی حرام است. و غیبت حسنات را
میخورد همانطور که آتش هیزم را میخورد.

در روایت دیگری پیامبر خدا فرمود: پایین ترین درجه کفر آنست که
مطلبی از برادرت در ذهن بسپاری که بعدا با آن آبرویش را ببری! اینها
در قیامت مورد لطف خدا نیستند. و امیر مومنان فرمود: کسی که چیزی را

که دیده یا شنیده که چیز بدی از شخصی استو مردم خیال کنند این شخص مروت و مردانگی ندارد، ان را بگویند جزو اشاعه کنندگان فحشا است که خدا در سوره نور فرمود اینها عذاب دردناک دارند.. { **انَّ الَّذِیْنَ یُحِبُّونَ اَنْ تَشِیْعَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ**؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است } نورایه 19

از جمله حدیث نبوی است که رسول خدا (ص) فرمود: اگر پیش شما غیبت کردند و توانستی غیبت شده را کمک کنی و کمک کرد خدا او را در دنیا و آخرت کمک می کند. و اگر با اینکه قدرت بر کمک داشت، یاریش نکرد خدا او را در دنیا و آخرت خوار می کند.

در عقاب الاعمال صدوق آمده که رسول خدا (ص) فرمود: اگر غیبت - برادرش را رد کند خدا هزار شر دنیا و آخرت را از او رد می نماید و اگر رد نکرد و خندید! گناهی همانند گناه غیبت کننده به گردن اوست.

و در حدیث دیگری فرمود اگر رد نکرد ،هفتاد برابر گناه غیبت کننده به گردن شنونده است.

گناه غیبت کننده دوبرابر است اگر در حضور غیبت شده از او تعریف کند و پشت سرش غیبت.اگرچه مدح جایز است ولی همراه با غیبت پشت سرش ، به این شخص صاحب دو زبان گفته میشود.و حرمت غیبت بیشتر میشود.و در روایت مستفیضه آمده که ادم دوزبان در قیامت درحالی که دوزبانش از آتش است محشورمیشود..زبان مدح ولو زبان آتش نیست ولی به ضمیمه زبان مذمت در غیاب،اوهم زبان آتش میشود در کتاب مجالس صدوق حدیث نبوی آمده که:کسی که برادرش را در - حضورش مدح کند و پشت سر،غیبتش نماید،عصمت بین آن دو قطع می گردد.//////و امام باقر علیه السلام فرمود:بد برادری است که دو صورت و دوزبان دارد.در حضور مدح می کند و پشت سر او را میخورد!اگر به برادرش نعمتی برسد براو حسادت می کند.واگر برادرش دچار مشکل شود او را رها می نماید.

پیامبر خدا (ص) فرمودند :

اگر انسان غیبتی را ترک کند، ثواب آن از ده هزار نماز مستحبی بیشتر است

داستان.

یک وقتی حضرت رسول(ص) مردم را امر به روزه فرمود، و گفت: احدی بدون اذن من افطار نکند.

چون شام داخل شد، یک یک می آمدند و اذن گرفته افطار می کردند تا مردی آمد و عرض کرد: «یا رسول الله دو دختر من روزه گرفته اند و حیا مانع ایشان است که به خدمت تو رسند، اذن بفرما تا افطار کنند. حضرت روی مبارک گردانید. آن مرد ثانیاً عرض کرد. باز حضرت روی گردانید. و در مرتبه سوم فرمود **که آنها روزه نگرفته اند و چگونه روزه بودند و حال آن که در همه روز گوشت مردم را به غیبت می خوردند،** برو ایشان را بگو تا قی (استفراغ) کنند. آن مرد باز گشت و ایشان را خبر داد پس آنها قی (استفراغ) کردند و از هر یک پارچه خون بسته دفع شد. چون پیغمبر را خبر دادند فرمود: به خدایی که جان محمد در دست اوست که «اگر این در شکم آنها باقی می ماند آتش جهنم آن را می خورد

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «از

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسیدند: کفار غیبت چیست؟ فرمودند:

از خداوند طلب آمرزش کنی برای آن که غیبتش کردی هر زمان به

یادش افتادی

یک داستان

حضرت #آیت_الله_مجتهدی فرمود:

شخصی شنید که غیبتش را کرده اند ، کت و شلوار ، و شیرینی خرید و [?] به عنوان چشم روشنی برای غیبت کننده فرستاد

شخص غیبت کننده پرسید [?]

چرا به من چشم روشنی داده ای؟

جواب داد [?]

شما ۴۰ روز ، تمامی نماز و #روزه و

عبادات را به من دادی و من به

جایش این هدیه را برای شما فرستادم

دوری از غیبت

آیه الله محسنی ملایری نقل کرد:

من در درس حاج شیخ ابوالقاسم قمی بودم. پس از درس، سیدی از معاریف گفت: آقا! ما از درس شما بیش از استفاده ای که از بعضی بزرگان می کنیم بهره مند می شویم

با این که اسمی از کسی نبرد ولی به ذهن ها گذشت که منظور حاج شیخ عبدالکریم حائری است.

ناگهان قیافه آقا شیخ ابوالقاسم درهم رفت و سکوت مجلس را فراگرفت.

پس از لحظاتی به او فرمودند: من صیغه استغفار می خوانم، شما هم بخوانید، آقایان هم بشنوند؛ شاید خدا از گناهی که امروز کردیم درگذرد.

بعد سه مرتبه فرمود: آقای حاج شیخ، آقاست علماً و عملاً^۸

پیامبر خدا (ص) فرمودند:

اگر انسان غیبتی را ترک کند، ثواب آن از ده هزار نماز مستحبی بیشتر
است.^۹

?

معبری به آسمان ص 33^۸

بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۱^۹

در مجلسی از سلمان فارسی غیبت می کنند شیعه ای اونجا بوده ساکت .
می نشینه!عقرب نیشش می زنه!

بویی به مشام می رسد!

با چند تن از دوستان و بستگان در محضر شهید بودیم که یکی از
[?] حاضرین زبانش آلوده به غیبت شد

شهید که از این فکر آزرده شده بود رویش را به سویی برگرداند و [?]
[?] گفت: « بویی به مشام می رسد

[?] «!همه متوجه شهید شدند و گفتند: «بوی چیه؟

شهید گفت: «خوب دقت کنید، چه بوی بدی! به نظرم بوی گوشت [?]
[?] «مرده، بوی خون مرده می آید

این برخورد ظریف و در عین حال گزنده باعث شد تا غیبت کننده
[?] متوجه شود که کار ناپسندی انجام داده است لذا صحبتش را قطع کرد

•

براساس روایات، غیبت نتایج زیر را در پی دارد:

1. بدتر از زنا است.
2. بالاتر از ربا است.
3. عدم پذیرفته شدن نماز و روزه غیبت کننده تا چهل روز.
4. مانع ورود به بهشت است.
5. غیبت خورش سگان است.
6. باعث ورود به دوزخ می شود.
7. از بین برنده حسنات است.
8. مرتبه ای از کفر است.

مجازات غیبت در روز قیامت

شیخ بهائی علیه الرحمه می فرماید: روزی در مجلس بزرگی ذکر من شده بود. شنیدم یکی از حاضرین که ادعای دوستی با من می کرد ولی در این ادعا دروغ می گفت ؛ شروع به غیبت نموده و نسبت ناروایی بمن داده بود و این آیه را در نظر نداشت که خداوند می فرماید: (بعضی پشت سر بعضی غیبت نکنید، آیا دوست دارید گوشت مرده برادر خود را بخورید؟ همه این را ناخوش می دارید) 575

آنگاه که فهمید اطلاع از غیبت او پیدا کرده ام ، نامه بلند بالایی برایم نوشت و اظهار پشیمانی و درخواست رضایت در آن نامه کرد. در جوابش نوشتم : خدا ترا پاداش دهد بواسطه هدیه ای که برای من فرستادی ؟ !چون هدیه تو باعث سنگینی کفه حسناتم در قیامت می شود

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: در روز قیامت بنده ای را در مقام حساب می آورند، کارهای نیکش در یک کفه و کارهای زشتش را در کفه دیگر می گذارند، کفه گناه سنگین تر می شود. در این هنگام ورقه ای بر روی حسنات قرار می گیرد، کارهای نیکش بواسطه آن عمل زیادتیر از گناهانش می شود.

عرض می کند: پروردگارا آنچه عمل خوب داشتم در کفه حسنات وجود داشت ، اما این ورقه چه بود؟ من که چنین عملی نداشتم ؟ خطاب می رسد: این در مقابل سخنی است که درباره تو گفته اند و از آن نسب پاک بودی . این حدیث مرا وامیدارد که سپاسگذار تو باشم بواسطه چیزی که بمن رسانیده ای ، با اینکه اگر روبروی من ، اینکار یا بدتر از این را انجام می دادی با تو مقابله بمثل نمی کردم و جز عفو و گذشت و دوستی و وفا از من نمی دیدی ؛ این باقی مانده عمر، گرامی تر آن است که صرف در مکافات اشخاص شود، باید بفکر آنچه از دست رفته بود و تدراک گذشته را نمود

غیبت و سخن چینی مانع باران شد!

سالی در بنی اسرائیل قحطی شد، حضرت موسی علیه السلام چند بار نماز استسقاء خواند و طلب باران کرد، اما خبری از باران نشد. خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد: من بخاطر آنکه یک نفر در میان شماست و سخن چین است و اصرار بر نمایی دارد، دعای شما را . مستجاب نمی کنم

عرض کرد: خدایا آن شخص کیست ؟ فرمود: ای موسی علیه السلام شما را از غیبت نهی می کنم ، حال خودم نمایی کنم ؟! بگو همه توبه نمایند، تا دعایشان مستجاب شود

همه توبه کردند و خداوند باران رحمت را بر آنها نازل کرد (در خبری دیگر آمده است : که آن شخص درباره حضرت موسی علیه السلام غیبت کرده بود و موسی علیه السلام تقاضای شناسائی آن شخص را کرد و خداوند فرمود: من سخن چینی را زشت دارم حال خود سخن چینی کنم ؟

نشستن تو مسجد تا زمانی عبادت است که غیبت نکنید!

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در شان و فضیلت نماز سخن می گفتند، و به مسلمین سفارش می کردند که به مسجد بروند و در انتظار وقت نماز به سر برند، و آماده باشند تا وقت نماز فرا رسد، و نماز را بپا دارند. ولی از آنجا که نماز کانون پرورش ارزشهای اخلاقی است، و ممکن است افرادی به مسجد برای انتظار نماز بروند و بنشینند، و در این فرصت مثلاً غیبت کنند، که بر خلاف هدف نماز است، به مسلمانان هشدار دادند و فرمودند: الجلوس فی المسجد لانتظار الصلوة عبادة مالم تحدث، یعنی: نشستن در مسجد برای انتظار نماز، عبادت است، در صورتی که حدثی رخ ندهد. شخصی پرسید: منظور از حدث چیست؟ (فرمودند: الاغتیاب: غیبت کردن.^{۱۰})

(امالی شیخ صدوق، مجلس 65، ص 252¹⁰)

چهل روز مرا به زحمت انداختی!...

سید احمد فهری مترجم رساله لقاءالله درباره غیبتی که در حضور مرحوم حاج میرزا جواد آقا تبریزی شده می نویسد: از یکی از دوستان شنیدم که گفت: در مجلس مؤلف بزرگوار، مرحوم حاجی میرزا جواد ملکی - قدس الله نفسه - یکی از حضار غیبتی کرده بود. آن بزرگوار خیلی ناراحت شده و خطاب به غیبت کننده فرموده بود:

چهل روز مرا به زحمت انداختی!

آری صفای باطن و نورانیت وجود ایشان به حدی بود که با کوچک ترین عمل ناشایست، غبار دوری از یاد خدا را بر وجود خویش حس می کرد. جام باده هستی مرحوم ملکی به عبادت عشق می ورزید و از یاد خدا و همدمی با آن لذت فراوان می برد. او در هر سال سه ماه پی در پی روزه می گرفت و روزه رجب و شعبان را به رمضان متصل می کرد.

وی در قنوت نمازهای نافله، این بیت عارف شیراز را از عمق جان زمزمه می‌کرد:

ما را ز جام باده هستی خراب کن

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب

مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی رحمه الله از شاگردان درس اخلاق مرحوم حاج میرزا جواد آقا، خاطره روزی از روزهای درس آن استاد فرزانه را این گونه بیان می‌کند: دو ساعت به غروب بود که ایشان برای تدریس درس اخلاق به مدرسه فیضیه تشریف آوردند، در بحث آن روز این آیه قرآن مطرح شد:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

(فصلت ایه 30)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس
استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین
مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده
است

بعد از آن این جمله را فرمود: از دنیا نرفتم و در وادی السلام نجف با
چشمان خودم دیدم که ارواح مؤمنین دور هم حلقه زده‌اند

علت نزول ایه غیبت

گفته اند جمله **لا یغتب بعضکم بعضا** درباره دو نفر از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله است که پشت سر رفیقشان سلمان غیبت کردند؛ زیرا او را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده بودند تا غذایی برای آنها بیاورد، پیامبر صلی الله علیه و آله سلمان را سراغ اسامه بن زید که مسؤو ل بیت المال بود. فرستاد. اسامه گفت : الان چیزی ندارم ، آن دو نفر از اسامه غیبت کردند و گفتند : او بخل ورزیده و درباره سلمان گفتند : اگر او را به سراغ چاه سمیحه (چاه پرآبی بود) بفرستیم آب آن فروکش خواهد کرد! پس خودشان به راه افتادند تا نزد اسامه بیایند و درباره موضوع کار خود تحقیق کنند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من آثار خوردن گوشت در دهان شما می بینم! آنها به پیامبر گفتند ای رسول خدا! ما امروز گوشت نخورده ایم ، فرمود : آری گوشت سلمان و اسامه را می خورید، آیه نازل شد و مسلمانان را از غیبت نهی کرد.¹¹

گردآوری از کتاب: شان نزول آیات قرآن (برگرفته از تفسیر نمونه)، محمد جعفر امامی، مدرسه الامام علی بن ابی ¹¹
(طالب(ع)، چاپ اول ، ص 415

عذاب غیبت کننده

در شب معراج ، پیامبر (صلی الله علیه وآله) شگفتیهای بسیار دید، از جمله نگاه کرد دید، عده ای با ناخنهای خود صورت خود را می خراشند و مجروح می کنند، از جبرئیل پرسید: اینها کیانند؟ جبرئیل عرض کرد: اینها غیبت می کردند و پست سر مومنین ، از آنها بدگویی نموده و آبروی آنها را می بردند.

سپس پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسی که گام بردارد برای بدگویی پشت سر مومنان ، نخستین گامش را در میان آتش دوزخ می گذارد، و کسی که از غیبت کردن توبه کند، آخرین نفری است که وارد بهشت می شود، و کسی بدون توبه در مورد غیبت ، از دنیا برود نخستین کسی است که وارد دوزخ می گردد

